

The role of deception in the implementation of forced guarantees

(Iranian law with a comparative view of British law)

Dr. Seyed Hossein Safai, Parisa Usoli

Date Received : 28 April 2024 Date accepted : 19 August 2024

Abstract

One of the most important issues in liability is liability arising from fraud and deceit which jurists consider under the title of the rule of pride and according to it the rule of pride, it is possible to refer to the deception and claim compensation for compensation. In the legal books of Iran, these problem have not been independently verified and what is widely discussed is the following of jurisprudence. In the English law, this subject is referred to as fraud and misrepresentation, and when it is realized that without sufficient clarity, a two - side concept is used and the person described by the intention of deception intentionally expressed his or her own statements. The legal rules of both countries show that deception is regarded as the cause of civil liability and the basis of liability is due to deception and pride which causes damage to the cause of damage, without the necessity of loss to the concept of the term .of course , in the legal rules of each country , different conditions such as fraud , loss of loss , causation , science , intentional , fault and ... are considered , but the entry of damages , spoofing conduct and the relation of causation is the main elements of liability in deception which is common in both england and iran legal rules.

Key words: deception, rule of pride, coercive guarantee, civil liability



نقش فریب در تحقق ضمان قهری

(بررسی حقوق ایران با نگاهی تطبیقی به حقوق انگلیس)

دکتر سیدحسین صفایی^۱ پریسا اصولی^۲

تاریخ دریافت: ۹ اردیبهشت ۱۴۰۳ تاریخ پذیرش: ۲۹ مرداد ۱۴۰۳

چکیده

یکی از موضوعات مهم در ضمان قهری، ضمان ناشی از فریب و خدعه است که فقها تحت عنوان «قاعده غرور» از آن یاد می‌کنند و به استناد آن به شخص فریب خورده‌ای که به سبب فریب دیگری متحمل زیان شده، این امکان را می‌دهند که برای جبران خسارت خود به فریب دهنده مراجعه و ادعای جبران خسارت نماید. در کتب حقوقی ایران این مسئله به صورت مستقل بررسی نشده و آنچه که به‌طور پراکنده نیز مورد بحث واقع شده به تأسی از فقه می‌باشد. در حقوق انگلیس از این موضوع تحت عنوان تقلب و اظهار خلاف واقع یاد می‌شود و زمانی تحقق می‌یابد که بدون صراحت کافی از یک مفهوم دو پهلو استفاده گردد و شخص توصیف کننده با قصد فریب عمداً اظهارات عاری از صحت بیان نموده و یا در صحت و سقم اظهارات خود بی‌مبالاتی نموده باشد. قواعد حقوقی هر دو کشور نشان دهنده‌ی این است که فریبکاری از موجبات مسئولیت مدنی قلمداد می‌گردد و مبنای حکم ضمان ناشی از آن فریب و غروری است که موجب ورود خسارت شده است؛ بی‌آنکه لازم باشد ضرر به مفهوم مصطلح آن محقق گردد. البته در قواعد حقوقی هر کشور شرایط و مبنای متفاوتی از جمله، عمل خدعه آمیز، ورود ضرر، رابطه‌ی سببیت، علم، عمد، تقصیر و ... در نظر گرفته شده اما ورود خسارت، رفتار خدعه آمیز و رابطه‌ی سببیت از ارکان اصلی ضمان در فریبکاری است که در قواعد حقوقی هر دو کشور انگلیس و ایران مشترک می‌باشد.

واژگان کلیدی: فریب، قاعده غرور، ضمان قهری، مسئولیت مدنی.

۱- حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران
۲- (نویسنده مسئول)، استان البرز - کرج - جهانشهر - بلوار ماهان شرقی - مجتمع نگین طبقه ۸ واحد ۱۶ - کد پستی ۳۱۴۳۶۹۳۴۱ - تلفن ۰۲۶-۳۴۴۹۳۳۱۳ - پریسا3311@gmail.com

یکی از موضوعاتی که از دیرباز در مورد ضمان مطرح بوده، دخالت عامل فریبکاری در ایراد زیان به دیگری و تاثیر آن بر دعوی مسئولیت مدنی می باشد. فریب همان خدعه و نیرنگ است که در فقه تحت حاکمیت قاعده «المغرور یرجع الی من غره» مورد بحث و طرح قرار گرفته و فقها از آن با عنوان قاعده غرور یا ضمان غرور یاد می کنند و در کتب حقوقی به طور مختصر بحث شده که مبنای همان نیز گفتمان فقها است. عامل فریبکاری از یک طرف موجب ایجاد ضمان غار گردیده و از طرف دیگر در صورت مبادرت مغرور به تلف مال غیر، می تواند به عنوان عاملی برای توجیه جبران خسارت در عمل زیانبار وی مورد بررسی قرار گیرد. در حقوق ایران در خصوص فریب و نقش آن در ضمان قهری، بحث مستقلی صورت نگرفته و حقوقدانان نیز پراکنده در مورد آن صحبت کرده اند. لذا عمل ناشی از فریبکاری به طور مجزا مورد بحث واقع نشده و حقوقدانان این کشور آن را در قالب اظهار خلاف واقع و تقلب مورد بحث قرار داده اند. بر پایه دیدگاه حاکم بر نظام حقوقی این کشور، خدعه و فریب مشتمل بر اعمال یا بیان اظهارات کذب و خلاف واقع است که فاعل آن قصد فریب طرف مقابل را داشته و در این رهگذر چنانچه ضرر و زیانی حاصل شود، شخص فریب دهنده مسئول جبران آن است.

در پژوهش حاضر، نظام های حقوقی ایران و انگلیس در خصوص ضمان غرور و نقش فریب در تحقق ضمان قهری مورد بررسی قرار می گیرد. بر این اساس در ابتدا برای روشن شدن موضوع، به تبیین مفهوم غرور و سپس به بررسی نقش فریب در تحقق ضمان قهری در حقوق ایران و حقوق انگلیس می پردازیم. به طور کلی هدف کلی این مقاله تبیین نقش غرور و فریب در ممانعت از تحقق و یا رافعت آثار ضمان فریب خورده، مبنای و شرایط جبران خسارت ناشی از آن، هم چنین تعیین نقش وضعیت درونی فریب دهنده در تحقق ضمان وی با عنایت به مبنای مسئولیت مدنی می باشد. روش مقاله تحلیلی توصیفی می باشد که با یافتن مبنای مسئولیت مدنی به عنوان مجرای تاثیر پذیری مسئولیت اثر غرور بر ضمان قهری و مسئولیت مدنی غار و مغرور تبیین می گردد.

۲ - مفهوم فریب و غرور

غرور به معنای فریب دادن و گول زدن آمده است. این واژه و قاعده گرچه مشابه آن در حقوق خارجی وجود داشته و حقوق ما بی تاثیر از آنها نبوده اما باید گفت از فقه اقتباس شده و به حقوق مدنی ما راه یافته است. لغت شناسان برای غرور معانی مشابهی ارائه داده اند. غرور در لغت به معنی خدعه و فریب دادن است.

همچنین خدع به معنای خدعه کردن و فریب دادن آمده است و مغرور به معنای فریب خورده است؛ و نیز گاهی به معنای کسی است که از روی طمع کاری، دست به کار باطل می‌زند.

در اصطلاح فقهی نیز مفهوم غرور از مفهوم لغوی آن دور نیفتاده و بدین معنی است هرگاه از شخصی عملی صادر گردد که باعث گول خوردن شخصی دیگری بشود و ضرر و زیان متوجه او گردد، شخص نخست به موجب این قاعده (غرور) ضامن است و باید از عهده خسارات وارده بر آید. عنوان این قاعده که در میان بزرگان شهرت یافته این است: «ان المغرورَ یَرْجِعُ اِلی مَنْ غره» مغرور به کسی که او را فریب داده است رجوع می‌کند. هم‌چنین از نظر فقهاء، قاعده غرور آن است که شخصی کاری را انجام دهد که موجب وارد شدن ضرر به دیگری شود و متضرر شدن شخص دوم به سبب فریب خوردن وی از شخص اول باشد، هر چند شخص اول قصد فریب دادن شخص اخیر را نداشته و خودش نیز فریب خورده یا ناآگاه و در اشتباه بوده باشد.^۲

در این تعریف از فریب خوردگی شخص دوم سخن به میان آمده و همین که عمل شخص اول که همان فریب دادن است (خواه عمدی باشد یا از روی ناآگاهی و اشتباه) موجب زیان شخص دوم گردد، برای تحقق غرور کافی است.

در حقوق انگلیس Deception مترادف با تقلب و اظهار خلاف واقع بکار رفته است. همچنین به مفهوم امری نادرست و خطایی غیر اخلاقی می‌باشد.^۳

بنابراین هرگاه فردی با گمراه کردن دیگری سبب ورود زیان به دیگری شود در این صورت، هر جا اظهار نظر خلاف واقع و تقلب کشف شود و در صورتی که اظهار نظر خلاف واقع عمدی بوده باشد نه سهوی و از روی قصور، موجبات جبران خسارت را فراهم می‌آورد.^۴

۳ - نقش فریب در ضمان قهری

بحث‌های زیادی در خصوص موضوعات ضمان آور و پیامدهای ناشی از آن توسط

۱ - مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۷). قواعد مهم فقهی؛ ترجمه القواعد الفقهیه، مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان.

۲ - بجنوردی، میرزا حسن (۱۳۸۶). القواعد الفقهیه، انتشارات، منشورات دلیل ما، چاپ سوم.

۳ - Elizabet, A. Martin (۱۹۹۰). A Concise Dictionary of Law Oxford University, ۱۹۹۰ .

۴ - Laura C.H. Hoyano Bristol (۱۹۹۶). LIES,recklessness and Deception : Disentangling Dishonestyby Civil Fraud .

نویسندگان حقوقی مطرح شده است؛ یکی از این مباحث مربوط به نقش فریب در ضمان قهری است که در موارد مختلف مانند فریب در عقد نکاح، فریب خوردن شخصی که در ظاهر، تلف مال دیگری به او نسبت داده شده اتفاق می افتد. که در اصطلاح حقوقی ایران ضمان غرور نامیده می شود و در حقوق انگلیس در مباحث اظهار خلاف واقع، دعوای ناشی از فریب و تقلب مطرح است.

۳-۱-۱ - حقوق ایران

از جمله عواملی که موجب مسئولیت و ضمان می باشد، فریب دادن است که در حقوق ایران به طور مستقل بحث نشده اما یکی از عوامل ایجاد مسئولیت است، که فریب دهنده را الزام به جبران خسارت می کند و در بسیاری از موارد برای اثبات مسئولیت مدنی به آن استناد می شود که در حقوق ایران با عنوان ضمان غرور شناخته شده است.

۳-۱-۱ - مبنا و شرایط فریب در ضمان قهری

قاعده غرور در مکاتب فقهی شیعه و اهل سنت معتبر شناخته شده است. بنابر این قاعده، هرگاه از شخصی عملی صادر گردد که باعث فریب خوردن شخص دیگر بشود، و از این رهگذر، ضرر و زیانی متوجه او گردد، شخص نخست به موجب این قاعده ضامن است و باید از عهده خسارت وارد برآید.^۱

این قاعده در فقه یکی از موجبات ضمان قهری است و بر مبنای آن، هر کس از فعل یا گفتار دیگری فریب بخورد، می تواند برای جبران خسارت به بار آمده به آن دیگری رجوع کند. مانند موردی که شخصی به دیگری طعام ثالثی را تعارف کند و طعام توسط شخص مزبور خورده شود، در این مورد فریب دهنده ضامن است.^۲

به عبارت دیگر، چنانچه در اثر فریب دیگری، خسارت و زیانی به شخصی وارد شود، برای جبران ضرر ناشی از آن می تواند به شخص فریب دهنده رجوع کند و ضرر خود را مطالبه نماید. در فقه قاعده غرور، مسقط ضمان قهری به شمار نمی آید بلکه این قاعده از منابع تعهد و موجب مسئولیت مدنی است.

۱ - محقق داماد، مصطفی (۱۳۹۷). قواعد فقه (بخش مدنی)، مرکز نشر علوم اسلامی - تهران ایران.

۲ - صفایی سید حسین و رحیمی حبیب الله (۱۳۹۷). مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی و دانشگاهها (سمت).

فقهای اهل سنت غرور را موجب ضمان می‌دانند و فقهای امامیه نیز مبنای ضمان ناشی از فریب و غرور را موارد مختلفی بیان کرده‌اند و در این خصوص نظریات مختلف آورده‌اند. برخی مبنای ضمان ناشی از غرور را فریب خوردن مغرور از قول یا فعل غار دانسته‌اند و حق رجوع مغرور بابت غرامت منافع استیفا شده را حدیث نبوی «المغرور یرجع الی من غره» می‌داند.^۱ به بیان دیگر، غار موجب ضرر به مغرور شده است و بنابر قاعده‌ی لاضرر، وارد کننده زیان، مسئول جبران خسارت وارده می‌باشد. آفقیهی دیگر نیز واسطه بودن حالت فریب برای اقدامات بعدی مغرور را به صراحت بیان می‌کند و اظهار می‌دارد که اگر غار عالم به واقع بوده و نیت فریب دادن داشته باشد و به سبب فریب، مغرور فریب بخورد، و در اثر فریب ضرری به بار آید، غار ضامن است.^۲

بنابر این دیدگاه‌ها هدف از ضمان ناشی از فریب، جبران ضرری است که در نتیجه فریب خوردن شخص به وجود آمده است و مغرور به میزانی که خسارت دیده حق رجوع به غار را دارد. اما دیدگاه دیگر مبنای ضمان ناشی از فریب را وجود ضرر می‌دانند. این دسته از فقها، علاوه بر پذیرش نقش فریب، ورود ضرر را شرط ضمان دانسته‌اند. یعنی در صورتی که در نتیجه‌ی فریب غار، ضرری به مغرور وارد شود، غار مسئول جبران خسارت و ضمان ناشی از آن است.^۳

در حقوق ایران، فریب و غرور که گاهی با قصد و عمد و گاهی هم بدون قصد و عمد همراه بوده، یکی از اسباب ضمان قهری و موجب مسئولیت مدنی است و اگر شخصی، دیگری را فریب دهد و در اثر این فریب، دیگری متضرر شود، شخص فریب دهنده مسئول جبران خسارت می‌باشد و از آنجا که شخص متضرر می‌تواند در امور مدنی و خسارتهای مالی به شخصی که موجب زیان شده، رجوع کند، فریب و غرور یکی از اسباب ضمان قهری و مسئولیت مدنی است. ماده ۳۲۵ قانون مدنی بیان می‌دارد: اگر مشتری جاهل به غصب بوده و مالک به او رجوع نموده باشد او نیز می‌تواند نسبت به ثمن و خسارات به بایع رجوع کند اگر چه مبیع نزد خود مشتری تلف شده باشد و اگر مالک نسبت به مثل یا قیمت رجوع به بایع کند بایع حق رجوع به مشتری را نخواهد داشت.

دقت در ماده فوق بیانگر این نکته است که قانونگذار به خریدار جاهل اجازه داده تا برای گرفتن کلیه غرامات به فروشنده فضولی (غاصب) رجوع کند. گفته شده اصل محدود بودن رجوع مغرور به مواردی که زیانی به او رسیده است باید محترم باقی

۱- صفائی، همان، ص ۹۶.

۲- موسوی بجنوردی سید حسن (۱۳۷۷). القواعد الفقهیه، قم الهادی، جلد اول.

۳- میرفتاح مراغه ای، ۱۴۱۷، ۴۴۱.

۴- انصاری شیخ مرتضی (۱۳۸۴). المکاسب المحرمه، مجمع الفکر الاسلامی، جلد سوم

بماند.^۱ در اینجا به نظر می‌رسد، ورود ضرر سبب ضمان غرور می‌باشد. به بیان دیگر در حقوق مدنی ایران در ضمان غرور به عنوان یکی از صورت های مسؤولیت مدنی، وجود ضرر شرط شده است.^۲ این ضرر باید مسلم و قطعی باشد تا قابلیت جبران داشته باشد. هم‌چنین باید بدون واسطه و مستقیم باشد یعنی رابطه سببیت عرفی بین فعل یا ترک فعل شخص و خسارت وارده وجود داشته باشد.

برخی دیگر از حقوقدانان علاوه بر ورود ضرر، تقصیر را به عنوان علت مسؤولیت فریب دهنده ذکر کرده اند. به عنوان نمونه نامزدی که بدون علت موجه، نامزدی را به هم می‌زند در حالی که ابوین او یا اشخاص دیگر به اعتماد وقوع ازدواج مغرور شده و مخارجی را متحمل شده‌اند طرفی که وصلت را به هم زده است باید از عهده خسارات وارده برآید. در اینجا در اثر تقصیر یکی از طرفین وصلت منظور به هم خورده و موجبات مسؤولیت مدنی فراهم گشته است و متضررین از این عمل فوق باید به کسی که مرتکب تقصیر فوق شده است رجوع کنند.^۳

عامل موثر دیگر در فریب فعل یا ترک فعل آن است که فعل یا ترک فعل در صورتی فریبنده است که سبب یک باور نادرست در فرد دیگر شود. رابطه‌ی سببیت بین ضرر و فعل یا قول غار (فریب‌دهنده)، نیز یکی دیگر از عوامل موثر در تحقق مسؤولیت ناشی از فریب می‌باشد.

به عبارت دیگر، برای تحقق غرور لازم است رفتاری خدعه آمیز واقع گردد و ضرری نیز به بار آید که با آن عمل، رابطه سببیت داشته باشد. جهل مغرور (فریب خورده) بدون شک یکی از عناصر این قاعده است. به دیگر سخن، اگر شخص از واقع آگاهی داشته باشد، نام مغرور بر او صادق نیست؛ لیکن درباره اینکه آیا فریب دهنده عالم به واقع باشد و جهل فریب دهنده (غار) موجب می‌شود تا او را مسئول رفتار فریب دهنده اش به شمار نیاوریم، میان فقها اختلاف نظر وجود دارد.

برخی از فقها معتقدند که اگر شخصی از واقع امر آگاهی نداشته باشد، نمی‌توان او را فریب دهنده نامید، مثل کسی که غذایی را از دیگری خریده است و در حالی که نمی‌دانسته غذا از آن فروشنده نبوده است آن را به شخص ثالث تعارف کند و غذا توسط شخص اخیر خورده شود. در چنین حالتی خریدار جاهل را نم‌توان فریب دهنده نامید، چون او نیز نسبت به واقع آگاهی نداشته است. بعضی دیگر از فقها گفته‌اند: چون ظاهر

۱- کاتوزیان ناصر (۱۴۰۰). حقوق مدنی (الزام های خارج از عقد). چاپ سوم، نشر گنج دانش، جلد دوم.

۲- کاتوزیان، همان، ص ۹۶.

۳- صفایی سید حسین و امامی اسدالله (۱۳۹۱). حقوق خانواده، نکاح و انحلال آن (فسخ و طلاق)، دانشگاه تهران، جلد اول.

۴- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۷). قواعد مهم فقهی؛ ترجمه القواعد الفقهیه، مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان.

فعل این شخص دیگری را فریب داده است و به تعبیر دیگر، عمل عرفاً و نوعاً فریبنده است، وی مسئول است، هر چند که ممکن است خود او نیز از سوی دیگری فریب خورده باشد، زیرا غرور از افعالی نیست که نیازمند قصد باشد، وانگهی اگر دلیل مسئولیت مدنی فریب دهنده (غار) آن باشد که فریب دهنده سبب متعارف خسارت است، در این حالت تفاوتی نمی‌کند که سبب عالم باشد یا جاهل. به عبارت دیگر آگاهی، جزء عناصر تشکیل دهنده غرور و مسئولیت مدنی ناشی از آن نیست.^۱

ظاهراً قانون مدنی همین نظر را که منطبق با قول مشهور فقهای امامیه است، پذیرفته و در مواد مبتنی بر قاعده غرور، تنها به جهل مغرور به عنوان شرط مسئولیت مدنی فریب دهنده تصریح کرده است. مثل مواد ۲۶۳، ۳۰۵ و ۳۲۵ قانون مدنی.^۲

علاوه بر آن با تدقیق در مواد قانونی متفاوت از قانون مدنی از قبیل مواد ۳۲۵، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۹ و ۳۹۱ می‌توان به مواردی از تأثیرات غرور، فریب و ضمان ناشی از آن پرداخت. علاوه بر آن مواد دیگری نیز در قانون مدنی پیش بینی شده که گرچه به روشنی به بحث فریب و ضمان ناشی از آن نمی‌پردازند و ضمان غرور در آن‌ها مطرح نشده است اما می‌توان برخی از آن‌ها را در ارتباط با غرور ذکر کرد.

۳- ۱- ۲- آثار ناشی از فریب در ضمان قهری

همان طور که بیان شد، فریب یکی از اسباب قهری محسوب می‌شود. از دیدگاه فقهاء، فریب و غرور منحصر به باب خاصی از ابواب فقه نیست بلکه در ابواب گوناگون جاری است مانند ابواب بیع فضولی، هبه، عاریه، مهر و نکاح.^۳

برخی برای اثبات غرور به روایات قاعده تدلیس استناد کرده و محور حکم رجوع به ضامن غرامت-ها را تدلیس می‌دانند ولی اظهار تعمیم از آنها برای اثبات قاعده را رد می‌کنند.^۴ اما فقهایمانند شیخ طوسی، علامه حلی و محقق نراقی تفاوتی بین تدلیس و غرور قائل نیستند. از نظر مفهوم و عناصر میان دو عنصر تدلیس و غرور، تفاوت وجود دارد. خیار تدلیس چه در باب نکاح و چه در دیگر معاملات و قراردادها، منوط به تحقق ضرر نمی‌باشد، یعنی برای اعمال حق فسخ به تدلیس، لازم نیست که فریب خورده متحمل خسارت شده باشد و عدم تحقق وصف مورد نظر کفایت می‌کند.

۱- صفایی سید حسین و رحیمی حبیب الله (۱۳۹۷) مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی و دانشگاهها (سمت).

۲- همان ص ۱۹۲.

۳- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۷). قواعد مهم فقهی؛ ترجمه القواعد الفقهیه، مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان.

۴- موسوی بجنوردی سید حسن (۱۳۷۷). القواعد الفقهیه، قم الهادی، جلد اول.

بسیاری از علما در ابواب غصب به قاعده غرور استدلال کرده‌اند. بلکه عمده مورد استفاده این قاعده بعد از ابواب مهرها همین باب است. در قواعد الاحکام آمده: هر گاه گیرنده از غاصب، اتلاف کند ضمان بر عهده اوست مگر با غرور. مثلاً غاصب مال را به خود نسبت دهد، اما اگر مالک دچار غرور و فریب شود (طعام غصب شده را با فریب نزد مالک آن بگذارد و مالک بدون اینکه بداند، آن را بخورد) ضمان بر عهده فریب دهنده است و هم‌چنین اگر مالک نزد او ودیعه ای بگذارد با به او اجازه دهد و اگر غاصب از طرف شخص دیگری به او هبه دهد و مالک برای طلب آن، نزد گیرنده بیاید دو قول متحمل است؛ یکی رجوع گیرنده به غاصب به جهت فریبی که داده است و دیگری عدم رجوع غاصب، به دلیل آنکه هبه، ضمان ندارد.^۱

در حقوق ایران بررسی مواد و مصادیق مربوط نشان دهنده ی این است که غرور و فریب موجب ضمان قهری و موجب مسئولیت مدنی است و در صورتی که کسی دیگری را فریب دهد و در اثر فریب خسارتی به بار آید یا به دیگری خسارتی وارد کند که باید جبران نماید، پس از پرداخت خسارت وارده، می‌تواند به شخص غار رجوع کرده و بنابر غرور، خسارت خود را جبران نماید در صورتی که ضمان مغرور مبتنی بر تقصیر نباشد و مغرور به دلیل اتلاف یا ضمان ید مسئول شناخته شده است. مانند خوردن غذا و میوه که میزبان در مهمانی ارائه کرده و آن غذا و میوه‌ها متعلق به دیگری باشد، در چنین موردی چون شرط مسئولیت مغرور، تحقق تقصیر نیست، استناد به غرور وی را از مسئولیت معاف نمی‌کند و نمی‌توان گفت مغرور مسئولیتی ندارد. و از آن‌جا که مغرور می‌تواند در امور مدنی و ضررهای مالی به غار رجوع کند، غرور یک قاعده مدنی است. اما در مواردی که مسئولیت فاعل زیان مبتنی بر تقصیر است، به نظر می‌رسد نمی‌توان به ظاهر قاعده غرور اکتفا کرد و مغرور را هم‌چنان مسئول تلقی نمود.

در حقوق ایران با این‌که اختلافاتی مبنی بر ورود ضرر و رکن بودن آن میان فقها وجود دارد و هر چند قاعده غرور به عنوان یکی از موجبات ضمان قهری در کتاب‌های قواعد فقه مورد بررسی قرار گرفته است و اطلاق قاعده غرور اقتضا می‌کند که فریب خورده پس از جبران خسارت متضرر، به فریب دهنده مراجعه کند، اما برخی از حقوقدانان با تلقی غرور به عنوان مبنای مسئولیت مدنی ورود خسارت و ضرر به دیگری را شامل ضرر مادی می‌شمارند. ضرر مادی صور مختلفی از قبیل از دست دادن عین مال و یا ایجاد نقص و یا عیب در مال را شامل می‌شود مانند اینکه زنی مردی را برای ازدواج فریب دهد و ازدواج صورت گیرد و نزدیکی انجام شود و مرد مهریه را پرداخته باشد.

۱- قواعد الاحکام، ج ۲، ۲۲۴

۲- صفری، محسن (۱۳۷۷) فریبکاری و آثار آن در حقوق مدنی ایران وفقه امامیه (قاعده غرور)، ج اول، تهران: نشر دادگستر.

و یا ضرر به سلامت یا حیات و زیانها وهزینه های ناشی از آنها مانند هزینه درمان و از کارافتادگی یا از دست دادن سلامت اعضا به دلیل سقوط از بلندی که ناشی از فریب دیگری بوده باشد.^۱

آنچه مسلم است این است که اصول حاکم به جبران ضرر برای اعاده وضعیت زیان دیده در نتیجه فریب ایجاب می نماید که هیچ زبانی که عرف مصداق آن را معین می کند، نباید بدون جبران باقی بماند. اما با این حال حقوقدانان شرایطی اساسی را برای جبران ضرر بیان می دارند که چنانچه آن شرایط فراهم نباشد، ضرر قابلیت جبران ندارد. یکی از این شرایط اینکه ضرر مسلم و حتمی باشد، یعنی شخص فریب خورده باید ثابت کند که ضرر به او وارد شده است و در صورتی که ضرر وارده به او ناشی از غرور و فریب دیگری باشد، می تواند برای جبران خسارات وارد شده به فریب دهنده مراجعه کند. همچنین ضرر قبلا جبران نشده باشد، ضرر مستقیم و بدون واسطه باشد به عبارت دیگر میان فعل زیان بار و ضرر، حادثه‌ی دیگری وجود نداشته باشد که رابطه سببیت عرفی را قطع کند یعنی ثابت کند که این عمل خدعه آمیز بوده که موجب ضمان مرتکب آن گردیده است و باید ثابت کند که غیر از عمل فریب و خدعه آمیز، علت دیگری در خسارت وارده دخالت نداشته و عمل فریبنده دلیل اصلی ورود خسارت به بار آمده است.

در حقوق ایران آثار غرور در ضمانتهای قهری در موارد مختلف آمده است و کاربردهای مختلف دارد. یکی از آثار فریب و غرور در ضمانتهای قهری بحث غصب می باشد که در ماده ی ۳۲۵ قانون مدنی آمده است و بیانگر این است که اگر عین مغضوب و مال غصبی تحت تسلط کسی باشد که نسبت به غصبی بودن آن ناآگاه و جاهل است و این انتقال به نحو ضمان آور نباشد، مانند اباحه در تصرف، و سپس بدون تقصیر گیرنده و بدون آنکه کوتاهی صورت گرفته باشد، مال از بین رود و پس از آن غصبی بودنش آشکار شود و مالک از شخص دوم غرامت بگیرد، شخص دوم حق دارد به غاصب رجوع کند. زیرا او در اینجا گیرنده را فریب داده است. با این ظاهر که او (غاصب)، مالک مال بوده و آن را به طور امانت به او داده است در حالی که مال مذکور در ضمان غاصب قرار داشته و بر طبق قاعده، مغرور حق دارد به کسی که او را فریب داده است، رجوع کند. این حکم تنها در صورت غرور اعمال می گردد ولی با مجرد جهل شخص دوم، او حق رجوع به دیگری ندارد. اگر انتقال به صورت ضمان آور باشد، در صورت رجوع مالک به شخص دوم، او حق ندارد به غاصب رجوع کند.

۱ - کاتوزیان ناصر (۱۳۹۱) قواعد عمومی قراردادها، شرکت سهامی انتشار، جلد دوم.

۲ - نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴). جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام، دار احیاء التراث العربی، لبنان، جلد ۳۵.

از دیگر آثار فریب و غرور در ضمانتهای قهری بحث اتلاف و تسبیب می‌باشد. در بحث اتلاف بنابر ماده ی ۳۲۸ قانون مدنی: هرکس مال غیر را تلف کند، ضامن آن است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد اعم از این که از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد و اعم از این که عین باشد یا منفعت و اگر آن را ناقص یا معیوب کند ضامن نقص قیمت آن مال است. بنابراین چنانچه کسی موجب خسارت به غیر شود خواه به صورت عمد باشد یا غیر عمد، ملزم به جبران آن است. این اصل از قاعده ی لاضرر گرفته شده است

باید گفت: تشخیص غرور در فقه امامیه کامل‌تر از حقوق ایران است و در آن قاعده ضمان قهری غرور به طور مستقل بررسی شده ولی در حقوق ایران، قانونگذار به صورت مستقل این موضوع را بررسی نکرده و آن را باید از درون عناصر دیگری که برای این عمل مقرر شده، استنباط کرد. در بحث جبران خسارت معنوی ناشی از غرور نه تنها ابهامات رفع نشده بلکه خود سبب وجود ابهامات بیشتری شده است. بنابراین تشخیص تسبیب در فریب و غرور در مسئولیت مدنی همیشه کار آسانی نیست زیرا امکان دارد که عوامل متعددی در فریب خوردگی مغرور اثر گذاشته باشند. مثلاً علیرغم اغوا و اقدامات فریبکارانه، خود مغرور به‌عنوان عامل خارجی زمینه ورود زیان و ضرر را فراهم یا تشدید کرده باشد.

۳-۲ - حقوق انگلیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در حقوق انگلیس فریب در شرایطی روی می‌دهد که فردی از طریق گمراه کردن دیگری با استفاده از یک کلاهبرداری و دروغ سبب وارد شدن زیان به دیگری شود. (با نیت بد) و اقامه دعوی منوط به این است که فریب و خسارت همزمان واقع شده باشد، و اگر تقلب ایجاد شود و خسارات ایجاد نشود و یا بالعکس در این صورت هیچ سببی برای اقامه دعوی خواهان وجود ندارد که راه را برای تقلب و فریب بیشتر هموار می‌کند. ولی اگر فریب و خسارت همزمان واقع شود، طرف فریب خورده حق دارد خسارت از فرد فریبکاری که سبب بروز فریب شده است مطالبه نماید، با این دیدگاه که طرف بی‌گناه تا حد امکان در موقعیتی قرار می‌گیرد که قبل از فریب داشته است.

گاهی اوقات تفکیک اعمال فریبکارانه از قصورهای فریب آمیز دشوار است. به عنوان مثال یک عبارت واقعی به معنای واقعی، اگر نتواند تمام اطلاعات مربوط را شامل شود

می تواند فریب محسوب شود. در یک نمونه کلاسیک، فروشنده بخشی از املاک ممکن است با ادعای این که دو خیابان در نزدیکی ملک در حال طراحی و ساخت هستند خریدار را گول بزند اما خیابان سومی که از میان ملک عبور می کند ذکر نشده باشد.^۱

به طور کلی عناصر اصلی اقدام فریب عبارتند از الف - یک اظهار کذب از واقعیت؛ ب - فریب از سوی اظهارکننده؛ ج - هدف اظهار کننده القای اتکاء با استفاده از وانمود باشد؛ د - خسارت وارد به مخاطب به خاطر این اتکاء.

کسی که با فریبکاری، یک اظهار نظر خلاف واقع یا توصیف خلاف واقع خدعه آمیز، عقیده یا نیت یا هدف تحریک دیگری یا جلوگیری از عمل دیگر را با اتکاء به آن در نظر دارد؛ در قبال زیان مالی ناشی از اتکاء به اظهار نظر خلاف واقع مسئول است. در حقوق انگلیس برای تحقق مسئولیت مدنی ناشی از اظهار خلاف واقع، لازم است قصد و عمد اظهار کننده نسبت به فریب و کذب اظهارات خود وجود داشته باشد و از این طریق خسارت و ضرری به مخاطب اظهار وارد آید. در نتیجه می توان گفت اظهار کننده در توصیفات و اظهارات خود قصد و عمد داشته (توصیف خلاف واقع متقلبانه) و از این حیث مرتکب تقصیر عمدی شده است و از این باب که تقصیر او در حقوق انگلیس موجب ضمان قهری می شود مسئول است. بنابراین در جایی که عمداً اظهاراتی خلاف واقع انجام داده، مبنای مسئولیت تقصیر است.

می توان گفت در حقوق انگلیس مبنای ضمان غار، تحمل ضرر توسط مغرور به سبب فعل خلاف واقع خدعه آمیز غار می باشد چرا که مخاطب اظهار خلاف واقع برای طرح دعوای ناشی از فریب و دریافت خسارت، باید ثابت کند که تقلب و فریب و خسارت به طور همزمان وجود داشته است.^۲

بنابراین در حقوق انگلیس برای تحقق مسئولیت مدنی مبتنی بر توصیف خلاف واقع و فریب لازم می باشد قصد و عمد اظهار کننده نسبت به صدق و کذب اظهارات خود وجود داشته باشد و همچنین ضرری به بار آمده باشد و به مخاطب اظهار ضرر وارده شده باشد بنابراین می توان گفت وقتی اظهار کننده در اظهارات خود قصد و عمد داشته به عبارت دیگر، توصیف خلاف واقع متقلبانه داشته، مرتکب تقصیر شده است و بنابر حقوق انگلیس موجب ضمان و مسئول شناخته می شود لذا مبنای مسئولیت در جایی که عمداً اظهاراتی خلاف واقع انجام داده، تقصیر می باشد.

به عبارت دیگر در حقوق انگلیس در خصوص این نوع شبه جرم، تنها راهی که

۱ - Gregory Klass, Meaning (۲۰۱۲). Purpose, and Cause in the Law of Deception, Georgetown University Law Center.

۲ - JOHN COOKE, LAW of TORT (۱۹۹۹), fourth Edition, Liverpool University.

برای شاکی وجود دارد این است که تضرر وی بر اثر اظهار خلاف واقع طرف مقابل و مسئولیت ناشی از فریب باشد. در تدوین قانون Pasley هیات عالی این قاعده را تصویب کرد که فریب بدون خسارت و خسارت بدون فریب هیچ علتی برای انجام عمل ایجاد نمی‌کند، اما در جایی که هر دو روی می‌دهند، عمل شبه جرم روی می‌دهد. در مورد مولفه های کلاهبرداری، این عقیده ثابت می‌کند که اظهار نظر کذب در صورتی مشمول فریب می‌شود که هر دو با علم به کذب بودن موضوع مطرح شده و با نیت القای عملکرد با اتکا بر اظهار نظر ذکر شده باشند.^۱

همه اقدامات فریبنده مشمول اظهار نظرهای خلاف واقع نیستند. برای مثال فردی که در پنهان کاری کلاهبرداری درگیر می‌باشد، نیازی به دروغ گفتن ندارد. در تحقیق شنایدر و هیث، یک کشتی قایق را شناور ساخت تا خریدار را از کشف هسته پوسیده باز دارد. در کار سالزمان و مالداوا، فروشنده متهم ظاهراً صفحات آلومینیومی سالم را در بالای دسته‌ها قرار داد تا اقلام فاسد در زیر مخفی شوند. در هیچ یک از موارد اقدامات اشتباه ادعاهای دروغین را شامل نمی‌شد، اگرچه استدلال شد که آنها برای فریب محاسبه شدند.^۲

در حقوق انگلیس برای تحقق مسئولیت مدنی ناشی از اظهار خلاف واقع و فریب، اثبات وجود ضرر و زیانی که مخاطب اظهار متحمل شده است؛ ضروری است و مخاطب اظهار باید اثبات کند از عملی که بر اساس اعتماد به اظهار خوانده انجام داده است ضرری متحمل شده است،^۳ و در صورتی که ضرری وارد نشده باشد، دادگاه برای جبران خسارت به نفع او رأی نخواهد داد. همچنین در دعوی فریب مخاطب اظهار خلاف واقع باید ثابت کند که تقلب یا تقصیر و خسارت به طور همزمان وجود داشته است. علاوه بر آن مخاطب اظهار باید اثبات کند که خسارات ادعایی، نتیجه احتمالی و طبیعی اظهارات متقلبانه‌ای است که درباره آن‌ها شکایت شده است. همچنین خسارت باید قابل تقویم به پول باشد.^۴

عنصر دیگری که در تحقق ضرر و زیان ناشی از فریب باید ثابت شود رابطه‌ی سببیت است. وجود رابطه سببیت بین خسارت وارده و تقصیر یا فعل زیان بار لازم و ضروری می‌باشد. در حقوق انگلیس برخی معتقدند رابطه سببیت در غرور باید بین تغیر و ضرر وارده وجود داشته باشد.^۵

۱ - George Class (۲۰۱۰). Meaning, Purpose and Cause in the Law of Deception, Georgetown University Law Center.

۲ - George Class (۲۰۱۰). Meaning, Purpose and Cause in the Law of Deception, Georgetown University Law Center

۳ - Elizabet, A. Martin (۱۹۹۰). A Concise Dictionary of Law Oxford University, ۱۹۹۰.

۴ - بهرام، مهدعلی (۱۳۸۰). سوء عرضه در حقوق انگلیس و تدلیس در حقوق اسلام، ترجمه: قنوتی، جلیل، عبیدی پور، ابراهیم، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۵ - Dias and Markesinis (۱۹۸۴). Tort Law, London, Darendon Press, ۱۹۸۴

از دیگر شرایط ایجاد ضمان و مسئولیت مدنی ناشی از توصیف خلاف واقع خدعه آمیز این است که فریب خورده، به خلاف واقع بودن اظهار، جاهل باشد و به عبارتی بی خبر و بی اطلاع باشد؛ در نتیجه چنانچه فریب خورده از خلاف واقع بودن مطلع و وضعیت خود را بر مبنای توصیف گذاشته باشد، براساس نظام حقوقی عام کامن لا، فریب دهنده مسئولیتی ندارد پذیرش ارادی خطر مانع از تحقق مسئولیت خواهد بود.^۱

به طور کلی در نظام های حقوقی ایران و انگلیس فریب و غرور موجب ضمان می گردد اما در قوانین حقوقی هر کشور، شرایطی مبنا و اصل قرار داده شده است.

در حقوق ایران، برای تحقق غرور، علم غار لازم شمرده نشده و قانونگذار تنها جهل مغرور را مورد تصریح قرار داده است. در حقوق ایران همانند حقوق انگلیس برای تحقق غرور لازم است رفتاری خدعه آمیز واقع گردد و ضرری نیز به بار آید، که با آن عمل رابطه سببیت داشته باشد.

یکی دیگر از شرایط اساسی در نظام حقوقی انگلیس عمد و آگاهی از فریب است فریب باید عمدی باشد و عمدی بودن آن از سوی خواننده نشان داده شود. ضرورت عمدی بودن فریب در حقوق انگلیس امری پابرجا و مسلم است. و اگر در مورد اظهارات فریبکارانه، عمد و آگاهی در ارایه آن فرض و پذیرفته شود، جبران ضرر محقق می گردد و شخصی که فریب خورده می تواند خسارت وارده ناشی از فریب را از شخصی که فریب داده مطالبه نماید. در حقوق انگلیس چنانچه زیان دیده، از واقع آگاه بوده یا می دانسته که در معرض غرور و توصیف خلاف واقع بوده اما با اراده خویش کوتاهی کرده و خسارت ببیند نمی تواند علیه خواننده در دعای توصیف خلاف واقع و غرور و فریب، دعوی مطرح نماید. زیرا اطلاع زیان دیده از تقصیر اظهار کننده و علم به خلاف واقع داشتن بیانگر این واقع است که زیان دیده به زیان خویش عمل نموده و در اصطلاح خود مرتکب تقصیر شده است. در حقوق ایران، در این موضوع (عمد و آگاهی) اختلاف می باشد و در باره این که فریب دهنده باید عالم به واقع باشد و جهل فریب دهنده موجب می شود تا او از مسئولیت مبرا باشد، میان فقها اختلاف است برخی او را به دلیل این که از واقع امر آگاهی نداشته از مسئولیت مبرا می دانند و برخی دیگر به تعبیر اینکه عمل عرفا و نوعا فریبنده است، وی را مسئول می دانند قانون مدنی نیز همین نظر را که منطبق با قول مشهور فقهای امامیه می باشد، پذیرفته است و تنها به جهل مغرور به عنوان شرط مسئولیت مدنی فریب دهنده تصریح کرده است.

همچنین در حقوق ایران همانند حقوق انگلیس وجود رابطه‌ی سببیت میان عمل

فرب با وروء ضرر، لازم اسآ. یعنی باء میان عمل آءءه آمیز و وروء ضرر رابطه ی سببیت برقرار باء اما در حقوق ایران نیز برخی از فقهاء قائل بر وجود رابطه ی سببیت میان عمل آءءه آمیز با اقدام فرب آورءه هستند. در هر ءو نظام حقوقی جبران خسارت ناشی از فرب در ضمان قهری پیش بینی شده اسآ. منآها با وجود شرایطی که بیان شده، این خسارت قابل جبران خواهد بوء. در حقوق انگلیس، به عنوان یکی از قواعد کلی و منوط به رعایت محدودیت های قانونی، شخص می آوانء به شیوه خاصی آوء را از مسؤلیت قراردادی در مورد هر گونه غفلت و تسامح یا در موارد مسؤلیت نیابتی رها سازء. و آن هنگامی اسآ که خصوصیاآی که اعلام می شود، به اعتقاد اعلام کننده صحیح و مطابق واقع باء و آون اظهار کننده در صءء فرب طرف مقابل نمی باء، فرب محسوب نمی شوء.

۴ - نتیجه گیری

بحث فرب و نقش آن در آءق ضامن قهری در حقوق ایران برگرفته از فقه می باء و در حقوق انگلیس با عنوان اظهار آلاف واقع، آقلب و آءءه مورد بررسی قرار گرفته و بیان شده اسآ. در حقوق ایران فرب، با عنوان غرور و در مباحث فقهی آء عنوان قاعءه غرور و ضمان ناشی از آن با عنوان ضمان غرور مورد بحث قرار گرفته و با آصول شرایطی موجب مسؤلیت مدنی اسآ. شرایطی مانند آءق و ایجاد ضرر، وجود آقصیر و رابطه ی سببیت بین ضرر و فعل یا قول غار (فرب آءءه)، از موجبات و شرایط ضمان فرب می باءند. هم آنین ترک فعل نیز می آوانء در صورت آءق شرایط منآر به فرب موجب ضمان بر مبنای غرور آرءء و در صورتی که شرایط فراهم باء، شخص فرب آءءه مسؤل جبران خسارت وارءه بر فرب آورءه اسآ. هم آنین در حقوق انگلیس ضرورت انجام فعل یا قول از ناحیه ی شخص غار، فرب آورءگی مغرور و انجام فعل از ناحیه ی شخص مغرور به واسطه ی فرب آورءگی از عمل مزبور در هر صورت لازم می باء. اما از نظر ضرورت یا عدم ضرورت وروء ضرر به شخص مغرور، وجود قصد فرب در شخص غار و وجود علم شخص غار نسبت به فرب آءه بوءن عمل آوء در فقه ءو آیدگاه متفاوت وجود دارد اما در حقوق انگلیس وجود هر سه امر فوق برای آءق مسؤلیت ضروری می باء. در حقوق ایران همانءد حقوق انگلیس وجود رابطه ی سببیت میان عمل فرب آمیز با وروء ضرر، لازم اسآ یعنی باء میان عمل آءءه آمیز و وروء ضرر رابطه ی سببیت برقرار باء.

به طور کلی بحث فریب و نقش آن در تحقق ضمان قهری در حقوق انگلیس نسبت به حقوق ایران به طور جامع تر مورد توجه قرار گرفته است و عناصر آن برای حقوقدانان و دادگاه های این کشور روشن شده است و چه بسا رویه های فراوانی که در این خصوص صادر گردیده است. اما در حقوق ایران فریبکاری و ضمان ناشی از آن در بحث ضمان غرور مطرح است که فقها به طور خاص و در قالب قاعده ی غرور به آن پرداخته اند و شرایطی را برای آن ذکر نموده و تاثیر آن را در ضمان قهری مورد بررسی قرار داده اند ولی در حقوق موضوعه ایران چندان توجهی به آن نشده و مختصر بحث حقوقی آن برگرفته از همان مباحث فقهی است. که در این خصوص نیازمند غنای بیشتر و بحث و بررسی است. در حقوق ایران قوانینی که در خصوص فریب آمده است غالباً در ذیل مباحث دیگر است و نیازمند تدقیق و تفسیر می باشند همچنین ماده قانونی مشخصی به ضمان قهری ناشی از فریب و غرور اختصاص داده نشده و مبنای آن به درستی مشخص نگردیده و آنچه آمده در مواد پراکنده ای در قانون مدنی مانند بحث غصب، اتلاف و یا تسبیب است. این پراکندگی سبب شده تا برخی از حقوقدانان ضمان ناشی از فریب را به عنوان قاعده و اصل به حساب نیاورند و یا تنها در مصادیقی که آمده آن را مطرح نمایند. بر این اساس پیشنهاد می شود؛ در حقوق ایران مصادیق و مبنای ضمان در مسئولیت مدنی در فریب روشن گردد و راهکارهای جبران ضرر در فریب در ضمان قهری به طور دقیق و چگونگی جبران آن مشخص شود. به عنوان پیشنهاد قانونگذار ما می تواند در ذیل ماده ی ۳۰۷ قانون مدنی که امور موجب ضمان قهری را مطرح نموده، بحث غرور را به عنوان یکی از موجبات ضمان قهری اضافه کند و یا آن را در مواد قانونی جداگانه ای مطرح و پیش بینی و ضوابط آن را مشخص نماید. همچنین یکی دیگر از مواردی که نیازمند توجه است بحث جبران ضرر معنوی ناشی از فریب است. ضرر معنوی جنبه ی غیر مالی دارد و در فقه چون قابل تقویم به پول و مال نیست، در ضمان آور بودن آن تردید شده است. بنابراین پیشنهاد می شود؛ در حقوق ایران این موضوع به صورت روشن و صریح و مشخص در زمینه غرور بحث گردد.

موضوع دیگر بحث عدم النفع است که در نظام حقوقی ایران، بعضی خسارت عدم النفع را قابل مطالبه نمی دانند و بعضی دیگر قائل به تفصیل شده و با قابل مطالبه دانستن منفعت محقق الحصول، منفعت محتمل الحصول را قابل مطالبه نمی دانند. با توجه به ملاک ماده ۷۲۸ قانون آیین دادرسی مدنی می توان عدم النفع را منشأ خسارت دانست؛ اما به شرط این که قاعده مذکور و شرایط آن جمع شود. بحث عدم النفع، می تواند در غرور مطرح و مورد توجه بیشتر قرار گیرد چه بسا منافعی که شخص فریب خورده می توانسته در صورتی که فریبی در کار نبوده به دست آورد ولی در اثر فریب آن منافع را

از دست داده است. لزوم این موضوع در موارد تجاری و همچنین ضررهای بدنی بیش تر نمایان می شود.



۱. امامی، حسن (۱۳۹۱). حقوق مدنی، انتشارات اسلامیه، جلد ۱.
۲. انصاری شیخ مرتضی (۱۳۸۴). المكاسب المحرمه، مجمع الفكر الاسلامی، جلد سوم.
۳. بجنوردی، میرزا حسن (۱۳۸۶). القواعد الفقهيه، انتشارات، منشورات دليل ما، چاپ سوم.
۴. بهروم، مهدعلی (۱۳۸۰). سوء عرضه در حقوق انگلیس و تدلیس در حقوق اسلام، ترجمه: فنواتی، جلیل، عبدی پور، ابراهیم، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۵. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰). تاج اللغه و صحاح العربیه، چاپ اول. دارالعلم للملایین بیروت، جلد دوم.
۶. علامه حلی، قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام، فقه و اصول، انتشارات اسلامی، جلد دوم.
۷. شرتونی لبنانی خوری، سعید. اقرب الموارد، جلد دوم، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی
۸. شفیع علییجه، قاسم (۱۳۹۰). شرایط غرور موجد مسئولیت در حقوق ایران و انگلیس فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست، سال سیزدهم شماره ۳۳، تابستان.
۹. صفایی سید حسین و امامی اسدالله (۱۳۹۱). حقوق خانواده، نکاح و انحلال آن (فسخ و طلاق)، دانشگاه تهران، جلد اول.
۱۰. صفایی سید حسین و رحیمی حبیب الله (۱۳۹۷). مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی و دانشگاهها (سمت).
۱۱. صفری، محسن (۱۳۷۷). فریبکاری و آثار آن در حقوق مدنی ایران و فقه امامیه (قاعده غرور)، چ اول، تهران: نشر دادگستر.
۱۲. طبرسی، ابوعلی الفضل (۱۳۳۰ ق). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی.
۱۳. کاتوزیان ناصر (۱۳۹۱). قواعد عمومی قراردادها، شرکت سهامی انتشار، جلد دوم.
۱۴. کاتوزیان ناصر (۱۴۰۰). حقوق مدنی (الزام های خارج از عقد) چاپ سوم، نشر گنج دانش، جلد دوم.
۱۵. محقق داماد، مصطفی (۱۳۷۴). قواعد فقه (بخش مدنی) انتشارات سمت، تهران.

۱۶ . محقق داماد، مصطفی (۱۳۹۷). قواعد فقه (بخش مدنی)، مرکز نشر علوم اسلامی - تهران ایران.

۱۷ . مکارم شیرازی ناصر (۱۳۶۹). قواعد الفقیه، قم ، مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع).

۱۸ . مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۷). قواعد مهم فقهی؛ ترجمه القواعد الفقیه، مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان.

۱۹ . ملا احمد نراقی (۱۴۱۵). مستند الشیعه فی احکام الشریعه ، چاپ اول. موسسه آل البیت علیهم السلام، قم ، جلد دوم،

۲۰ . موسوی بجنوردی سید حسن (۱۳۷۷). القواعد الفقیهه، قم الهادی، جلد اول.

۲۱ . حسینی مراغه ای میرفتاح (۱۴۱۷). العناوین الفقیهیه ، قم ، دفتر انتشارت اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم، جلد دوم.

۲۲ . نجفی، محمد حسن، (۱۴۰۴ق) جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام، دار احیاء التراث العربی، لبنان، جلد ۳۵.

۲۳ . نجفیان مجید (۱۳۹۷). بررسی مسؤلیت مدنی ناشی از اضطرار، اکراه، فریب و غرور در فقه امامیه و حقوق ایران، کنفرانس ملی اندیشه های نوین و خلاق در مدیریت، حسابداری، حقوق و اجتماعی.

۲۴ . نوح جاه، ریحانه و وارسته بازقلعه، محمد (۱۴۰۰). بررسی فقهی و حقوقی قاعده غرور، هفتمین کنفرانس بین المللی مطالعات حقوقی و قضایی.

1. JOHN COOKE, LAW of TORT (1999). Fourth Edition, Liverpool University.

Elizabeth, A. Martin (1990). A Concise Dictionary of Law Oxford University, 1990

2. Gregory Klass, Meaning (2012). Purpose, and Cause in the Law of Deception, Georgetown University Law Center.

3. Laura C.H. Hoyano Bristol (1996). LIES, recklessness and Deception: Disentangling Dishonestby Civil Fraud.

4. George Class (2010). Meaning, Purpose and Cause in the Law of Deception, Georgetown University Law Center.

5. Elizabeth, A.Martin (1990). A Dictionary of law, Fifth Edition, Oxford University Press.

6. Dias and Markesinis (1984).Tort Law, London, Clarendon Press, 1984

7. Angus Johnston. Basil Markesinis and Simon Deakins. TORT LAW. Seventh Edition .Clarendon Press. Oxford.

8. The role of deception in the realization of forced guarantees (review of Iranian law with a comparative view of English law.

9. Dr. Seyed Hosein Safaai Private Law, Tehran Azad University, Science and Research Branch.

10.Parisa Osoli(Author)Alborz Province - Karaj - Jahanshahr - Eastern Mahan Boulevard - Negin Complex, 8th Floor, Unit 16 - Postal Code 3143649341 - Phone: 34493313-026-

prysa3311@gmail.com.